

Revisiting the Concept and Types of Spirit and Explaining Its Function for the Imām Based on Verses and Hadiths

Seyyed Ali Ahmadi Forushani¹

Abstract

Scholars of the Quran and Hadith agree that the Imams possess a spirit from God. The key question, however, is how many types of spirits assist the Imams (AS). Based on extensive analysis of verses and Hadiths, it is evident that the Imams are supported by various spirits, each with distinct functions and roles. The term "spirit" in these texts refers to five entities: Gabriel, the Spirit of Faith, and three types of the Holy Spirit. One type of spirit is common to all prophets, successors, messengers, and Imāms, accompanying them from birth until death. This spirit, free from frivolity or negligence, is a factor in the infallibility of the Imāms. The other two types of spirits are specific to the Prophet Muhammad (PBUH) and, after him, to the subsequent Imāms. These are the Commanding Spirit and the spirit that always accompanies the angels. These spirits perform duties such as educating the Imam to achieve servitude, bestowing knowledge and infallibility, providing support and confirmation, overseeing the actions of the faithful, and addressing new questions.

Keywords: Spirit, Holy Spirit, Commanding Spirit, Imam, Prophet, Imam's Knowledge, Imam's Infallibility

Research Article

Imāmah in the
Light of the Qur'ān,
Sunnah and 'Aql

First Year, Vol. 1, 2024

Publisher: Imamate

Ahlulbait Altaherin

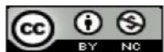
ipj.emamat.org

Received: 2024/02/21

Revised: 2024/04/05


Accepted: 2024/04/30

Published Online: 2024/09/05



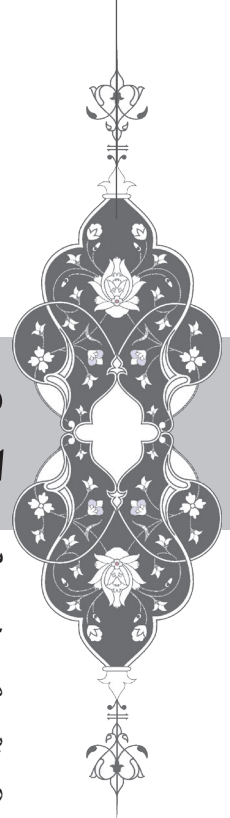
© the authors



* Cite this article: Ahmadi Forushani, S.A. (2024). Revisiting the Concept and Types of Spirit and Explaining Its Function for the Imām Based on Verses and Hadiths. *Imāmah in the Light of the Qur'ān, Sunnah, and 'Aql*, 1(1), p.31-51.
 <https://doi.org/10.22034/emamah.2024.203680>

1. Graduate of Level Four Explanatory Imamate from the Specialized Center for Imam Studies & Permanent Member of the Academic Association of Imamate, Seminary of Qom, Iran

saahmadi110@yahoo.com



بازخوانی مفهوم و انواع روح و تبیین کارکرد آن برای امام بر اساس آیات و روایات*

سید علی احمدی فروشانی^۱

چکیده

در اینکه امامان دارای روحی از سوی خداوند هستند، تردیدی در میان محققان پژوهنده در آیات و روایات نیست. تردید در این است که چند نوع روح، امامان علیهم‌السلام را امداد می‌کنند. براساس آیات متعدد و روایات فراوان، امامان با انواعی از روح امداد می‌شوند که به افراد برگزیده اختصاص دارد و هرکدام وظایف و کارکردهایی دارند. براساس تحلیل آیات و روایات مرتبط با این موضوع، این نتیجه به دست آمد که روح در آیات و روایات به پنج موجود اشاره دارد؛ جبرئیل، روح ایمان و سه نوع روح القدس. یکی از آنها در میان همه انبیا، اوصیا، رسولان و امامان مشترک بوده و از بدو تولد تا حین وفات با حجج الهی همراه است. نسبت به این نوع از روح تصریح شده که هیچ‌گونه لهو و لعب و غفلت در آن راه ندارد و یکی از عوامل عصمت معصومان، وجود چنین روحی است. دو نوع دیگر از انواع روح، مخصوص پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده و بعد از ایشان با انتقال امامت، به امامان بعدی منتقل می‌شود. این دو عبارتند از روح امری و روحی که همیشه با ملائکه همراه است. این روح‌ها وظایفی دارند؛ از جمله تربیت امام برای تحقق عبودیت و بندگی، اعطای علم و عصمت به امام، تسدید، تأیید و توفیق امام، اشراف امام بر اعمال بندگان و پاسخ امام به پرسش‌های جدید. **واژگان کلیدی:** روح، روح القدس، روح امری، امام، نبی، علم امام، عصمت امام

مقاله پژوهشی

دوفصلنامه امامت
در پرتو قرآن،
سنت و عقل

سال اول، شماره ۱، ۱۴۰۳

ناشر: امامت

اهل‌البیت الطاهرين

ipz.emamat.org

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۲

بازنگری: ۱۴۰۳/۰۱/۱۷

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۱

انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۶/۱۵



© نویسندگان



* استناد به این مقاله: احمدی فروشانی، سید علی (۱۴۰۳)، بازخوانی مفهوم و انواع روح و تبیین کارکرد آن برای امام بر اساس آیات و روایات، امامت در پرتو قرآن، سنت و عقل، (۱)، ص ۳۱-۵۱.

<https://doi.org/10.22034/emamah.2024.203680>

۱. دانش آموخته سطح چهار امامت تبیینی، مرکز تخصصی امام‌شناسی، بنیاد فرهنگ جعفری،

انجمن علمی امامت حوزه، قم، ایران.

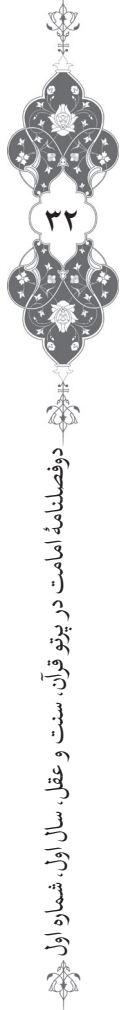
saahmadi110@yahoo.com

مقدمه

براساس آیات و روایات، نیرویی فوق‌العاده همیشه با پیامبران و امامان همراه بوده و آنان را یاری می‌کرده است. این نیرو گاهی به «روح» و گاهی به «روح القدس» معرفی شده است. در اینکه حقیقت این روح چیست و چه انواع، وظایف و کارکردهایی دارد، میان محققان و دانش‌پژوهان بحث و گفت‌وگو بوده است. تاکنون نوشته‌های مختلفی اعم از مقاله^۱ و پایان‌نامه^۲ در رابطه با این موضوع به نگارش درآمده، اما به این نکته توجه شده کمتر است که براساس تحلیل دقیق آیات و روایات، این روح خود دارای چه انواعی بوده و هر یک چه وظایفی را برعهده دارند و چه کارکردی در مقام و منصب امامت است؛ به‌گونه‌ای که امام به پشتوانه این روح بر چه اموری

۱. مقاله «تطبیق جایگاه و نقش روح القدس در مقارنه انجیل، قرآن و روایات»، نوشته شاکر اشتیجه، فاطمه، حسنی بافرانی، طلعت، پژوهش‌های اعتقادی کلامی، ش ۱۵ پاییز ۱۳۹۳ ش. مقاله «تحلیل و بررسی ماهیت روح القدس از منظر عقل و دین»، اثر یعقوبیان، محمدحسن، مجله عقل و دین، ش ۸، سال ۱۳۹۲ ش. مقاله «ویژگی‌ها و مصداق روح القدس در قرآن و حدیث»، اثر یعقوبیان، کاووس، حاجی‌خانی، علی، بیدسرخ، علی، حدیث و اندیشه، دوره ۹، ش ۱۸، ۱۳۹۳ ش. مقاله «معناشناسی روح در قرآن کریم»، نوشته شاکر، محمدتقی، سبحانی، محمدتقی، دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، دوره ۹، ش ۱، ۱۳۹۴ ش. مقاله «چیستی و مختصات روح امری در قرآن»، روحی برندق، کاووس، حاجی‌خانی، علی، بیدسرخ، علی، آموزه‌های قرآنی، ش ۲۵، ۱۳۹۶ ش. مقاله «ویژگی‌های روح (موضوع آیه یسئلونک عن الروح) از دیدگاه قرآن و حدیث»، اثر فقهی‌زاده، عبدالهادی، پهلوان، منصور، روحی دهکردی، مجید، پژوهش‌های قرآن و حدیث، دوره ۴۵، ش ۲، ۱۳۹۱ ش. مقاله «بررسی چندمعنایی واژه روح در ترجمه‌های قرآن کریم»، اثر فتاحی‌زاده، فتحیه، حسینی، لینا سادات، افسردیر، حسین، مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره ۲، ش ۳، ۱۳۹۴ ش. مقاله «چیستی و مختصات روح امری یا ملکوتی در روایات اهل بیت»، نوشته روحی برندق، کاووس، حاجی‌خانی، علی، بیدسرخ، علی، علوم حدیث، دوره ۲۱، ش ۷۹، ۱۳۹۵ ش. مقاله «چیستی روح القدس و آثار آن»، اثر قیوم‌زاده، محمد، شاکر اشتیجه، محمدتقی، اندیشه نوین دینی، سال هشتم، ش ۳۰، ۱۳۹۱ ش.

۲. «روح از دیدگاه قرآن»، محقق: طوبی کرمانی، راهنما: احمد بهشتی، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تاریخ دفاع: ۱۳۶۸ ش. «خلقت روح در آیات و روایات»، محقق: فاطمه سادات حاجی سید جوادی، راهنما: عباس همایی، مشاور: مجید معارف، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، تاریخ دفاع: ۱۳۸۲ ش. «روح القدس در قرآن کریم با تأکید بر ماهیت و کارکردها»، محقق: حسین افتخاریان، راهنما: امیر دیوانی، مقطع کارشناسی ارشد، مؤسسه امام خمینی (ره)، دفاع: ۱۳۸۶ ش. «تطبیق جایگاه و نقش روح القدس در مقارنه انجیل، قرآن و روایات»، محقق: فاطمه شاکر اشتیجه، راهنما: طلعت حسنی بافرانی، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه قم، دفاع: ۱۳۹۳ ش.



توانا خواهد شد. بر این اساس به نظر رسید که لازم است با این رویکرد به آیات و روایاتی که مربوط به این موضوع است، مراجعه شود و با روش توصیف و تحلیل به واکاوی داده‌ها پرداخته و ابتدا مفهوم‌شناسی آن بازخوانی شود. سپس براساس آیات و روایات، اقسام و انواع آن معرفی شده و در ادامه به کارکردهایی که در آیات و روایات به آن اشاره شده و به وظایفی که دربارهٔ امام و علم او دارد، توجه شود.

۱. مفهوم‌شناسی روح و روح القدس

لغت‌شناسان پیرامون مفهوم‌شناسی «رُوح» و «رُوح» مطالبی را بیان کرده‌اند. بر این اساس، رُوح به معنای وسعت و گشایش است که خود در اصل ریح به معنای نسیم بوده است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲/۴۵۴). بنابراین رُوح معنای وصفی پیدا می‌کند، ولی رُوح در تعابیر مختلف به حاصل مصدر تعبیر آورده شده و می‌توان به معنای اسمی آن را گرفت (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۴/۲۵۷). در آیات قرآن واژهٔ روح برای روح انسان، جبرئیل و موجود تأییدکنندهٔ حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام آمده است. ضمن آنکه در برخی تعبیرها با وصف «الْقُدُس» آمده و در تمام استعمالات برگرفته از این ریشه، گونه‌ای حالت گشایش و راحتی لحاظ شده است (همان، ۲۵۸/۴)؛ همانند «رُوح الله» (یوسف/۸۷) و «فروح و ریحان» (واقعه/۸۹).

۲. انواع روح و روح القدس

براساس تحقیق انجام‌شده، روح و روح القدس اقسامی دارند که برخی موارد آن در قرآن و برخی دیگر در روایات اشاره شده است. هریک از این موارد کارکردهایی دارند که در ادامه بیان خواهد شد.

۲-۱. انواع روح در قرآن

در قرآن کریم حدود بیست مورد واژهٔ رُوح استعمال شده است که چهار مورد آن با وصف «الْقُدُس»، یک مورد آن با وصف «الامین» و هفت مورد با اضافه به ضمائر غایب، متکلم وحده یا مع‌الغیر آمده و بقیه موارد بدون ضمیر و وصف بیان شده

است. به نظر می‌رسد که مجموعه این آیات را می‌توان به شش دسته تقسیم کرد: الف) برخی از آیات به نوعی از روح اشاره دارد که مقصود «ملک مقرب الهی» یا «جبرئیل» است. این ملک در قرآن به روح القدس یا روح الامین نامیده شده است (نحل/۱۰۲؛ شعراء/۱۹۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۹۵/۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۱۶/۱۵). برخی از تفاسیر روح القدسی که مؤید حضرت عیسی علیه السلام بوده را جبرئیل می‌دانند که در سه آیه به آن اشاره شده است (بقره/۸۷ و ۲۵۳؛ مائده/۱۱۰؛ طوسی، بی تا: ۳۴۱/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۰۴/۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱۵۷/۱؛ طیب اصفهانی، ۱۳۶۹: ۴۹۶/۴).

ب) قرآن به نوعی از روح اشاره دارد که همیشه با ملائکه بوده و با آنان مقایسه می‌شود؛ ولی خود ملک نیست؛ به عنوان نمونه: «تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ» (معرج/۴)؛ «يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا» (نبا/۳۸)؛ «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا» (قدر/۴). این روح براساس روایات، برتر از ملائکه است (ثقفی، ۱۴۱۰: ۱۱۰/۱؛ قمی، ۱۴۰۴: ۴۰۲/۲) و به روح القدس نیز تعبیر آورده شده است (قمی، ۱۴۰۴: ۴۳۱/۲؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۵۸۲).

ج) برخی دیگر از آیات به نوعی از روح اشاره دارند که با سایر ارواح تفاوت دارد (صدوق، ۱۳۹۸: ۱۷۰) و در انبیا وجود داشته و با آن نبوتشان به وجود می‌آید. به نظر می‌رسد آیاتی که بر «نفس روح» به حضرت آدم علیه السلام دلالت دارد، همچون آیه «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر/۲۹؛ ص/۷۲) و یا آیه ای که بر نفس روح بر حضرت مریم علیه السلام دلالت دارد، همچون آیه «وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا» (مریم/۱۷؛ انبیاء/۹۱) از این نوع است (صدوق، ۱۴۰۳: ۱۷)؛ چراکه روح دمیده شده در آنها، روح حیوانی نیست که در همه انسان‌ها حتی کفار وجود دارد (مؤمنون/۱۴؛ قمی، ۱۴۰۴: ۹۱/۲) و روح ایمانی نیست که در همه مؤمنان موجود است (مجادله/۲۲؛ حمیری، ۱۴۱۳: ۳۴)؛ بلکه روح ویژه‌ای است که صلاحیت مورد سجده قرارگرفتن حضرت آدم علیه السلام را به ایشان اعطا می‌کند. این سخن مطلبی است که از «فاء تفریع» می‌توان فهمید که به سبب نفخ روح در حضرت آدم علیه السلام، صلاحیت مورد سجده قرارگرفتن را پیدا کرد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵۵/۱۲؛ ۲۲۵/۱۷). بنابراین، باید این روح متفاوت با روح حیوانی و

انسانی باشد (کلینی، ۱۴۰۷/۲۷۲). بدیهی است که حضرت آدم علیه السلام با دمیده شدن این روح در آن، مسجود ملائکه قرار گرفت (قمی، ۱۴۰۴/۱۸۴)؛ هرچند برای مسجود شدن حضرت آدم علیه السلام وجوه دیگری نیز گفته شده است (همان، ۳۵/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲/۱۸۸). پس باید روحی در آن دمیده شده باشد که برتر از ملائکه باشد؛ وگرنه این سجده لغو خواهد بود. شیطان نیز بدون توجه به این روح، آدم را نالایق سجده خویش می‌دید و اگر به آن روح توجه می‌کرد، می‌دانست که آن روح است که آدم را تا مسجودیت ملائکه بالا برده است (قمی، ۱۴۰۴/۴۱). روحی که در حضرت مریم علیه السلام دمیده شده تا حضرت عیسی علیه السلام متولد شود نیز از جنس روح دمیده شده در حضرت آدم علیه السلام است. لذا امام صادق علیه السلام در حدیثی، روح در حضرت عیسی علیه السلام را به روح در وجود حضرت آدم علیه السلام تشبیه کرده است (عیاشی، ۱۳۸۰/۲۴۱). بنابراین ممکن است یکی از وجوهی که خداوند حضرت عیسی علیه السلام را به حضرت آدم علیه السلام مثال می‌زند (آل عمران/۵۹)، اضافه بر خلقت بدون پدر، وجود همین روح در هر دو باشد. به نظر می‌رسد این روح در همه انبیای الهی موجود بوده و به سبب آن صلاحیت حجیت و خلافت الهی را دارند. لذا هر کس به درجه‌ای رسیده که حجت و خلیفه خدا بر روی زمین باشد، از این روح بهره‌مند است.

د) قرآن به نوع دیگری از روح اشاره می‌کند که با سایر ارواح متفاوت است؛ این مورد در آیات متعدد از جمله آیه ۸۵ سوره اسراء بیان شده است. در این آیه به روح مخصوصی اشاره شده است که نه روح حیوانی و نه روح القدس است. در این آیه پرسشی از سوی یهودیان پیرامون حقیقت روح مطرح شده و خداوند پاسخی به آنان نمی‌دهد و تنها آن را از امر پروردگار معرفی می‌فرماید. آنان بر اساس کتاب‌های خود هم از روح حیوانی اطلاعات داشتند و هم از روحی که در حضرت آدم علیه السلام و یا در خدمت حضرت عیسی علیه السلام بوده است و اگر سؤال آنان از این دو روح بود، وجهی نداشت که از موضوعی که خود بر آن آگاهی دارند، بپرسند و از سوی خداوند در برابر این سؤال که خود عالم به پاسخ این پرسش هستند، پاسخ نزنند. بنابراین، به نظر می‌رسد که این روح با سایر ارواح متفاوت بوده و به رسول اکرم صلی الله علیه و آله اختصاص داشته



است؛ از این رو از آن پرسش کردند و به همین سبب خدای متعال پاسخ درخوری به آنان نداد، بلکه فرمود علمش به شما داده نشده است «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء/۸۵).

قرآن در آیاتی به این روح اشاره کرده و از آن به «روح امری» تعبیر کرده است: «يُنزِلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» (نحل/۲)؛ «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي» (اسراء/۸۵)؛ «رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» (غافر/۱۵). در برخی از آیات سخن از وحی شدن این نوع روح به میان آمده است: «وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا» (شورا/۵۲). قرآن کریم در آیه ۵۱ سوره شورا انواع گفت وگویی خدا با بشر را به سه بخش الهام، با وساطت ملک و بدون واسطه ملک تقسیم کرده است. در آیه ۵۲ با کلمه «كذلك» نوع دیگری را بیان می‌کند و آن را روحی از امر پروردگار معرفی می‌نماید. از اینکه خدای سبحان در کنار سه طریق انتقال معارف و مقاصد الهی به بشر، طریق دیگری به نام روح را معرفی می‌کند، می‌توان دریافت که این طریق خود ملک نبوده و با سایر طرق متفاوت و خود طریق اختصاصی است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷۷/۱۸). تفاوت این روح با دیگر روح‌ها، این است که براساس آیه شریفه به حضرت رسول اکرم ﷺ منحصر است و در همین آیه با تقدم جار و مجرور (الیک) بر مفعول به (روحا) به اختصاصی و انحصاری بودن روح اشاره کرده است.^۱ گفتنی است، با توجه به اینکه ضمیر «جعلناه» به روح باز می‌گردد، می‌توان قرینه دیگری بر این مطلب پیدا کرد. در صورتی که از قرائن گفته شده اطمینانی بر اختصاص این طریق به پیامبر اکرم ﷺ پیدا نشود، می‌توان القای روح را برای سایر انبیا تسری داد؛ ولی نمی‌توان آن را با ارسال جبرئیل یکی دانست. بنابراین، تفاوت این روح با مورد دوم در آن است که روح دوم در آیات قرآن، با ملائکه مقایسه شده و همراه با آنان است؛ درحالی‌که این روح در آیات مستقل از ملائکه مطرح و به عنوان روحی از امر الهی معرفی شده است.

۱. علامه طباطبایی رحمته نصب «روحا» را به نزع خافض دانسته و مفعول به «أوحینا» همان قرآن خواهد بود؛ ولی برخی معتقدند مفعول به «أوحینا» همان «روحا» است (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷۶/۱۸).

ه) نوع دیگری از روح هست که خدای سبحان آن را برای مؤمنان اختصاص داده است. این روح، روح ایمان می باشد که در برخی آیات و روایات به آن اشاره شده است: «وَ أَيْدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ» (مجادله/۲۲) و «عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا زَنَى الرَّجُلُ فَارَقَهُ رُوحُ الْإِيمَانِ قَالَ هُوَ قَوْلُهُ وَ أَيْدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ ذَلِكَ الَّذِي يُفَارِقُهُ.» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۸۰/۲).

بنابراین، از مجموع آیات می توان برداشت کرد که قرآن به پنج نوع روح اشاره دارد:

۱. جبرئیل که نام دیگر وی براساس آیات، روح القدس است؛
۲. روح الایمان که خداوند مؤمنان را با روح ایمان تأیید می کند؛
۳. روحی که در همه انبیا، رسولان، اوصیا و امامان هست؛ به این نوع از روح، روح القدس نیز گفته می شود؛
۴. روحی که به پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اختصاص دارد. به این روح نیز روح امری یا روح القدس گفته می شود. این روح طبق برخی از آیات بر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وحی می شود (سور/۵۲)؛
۵. روحی که با ملائکه همراه است.

بر این اساس، آیات قرآن اضافه بر جبرئیل و روح ایمان، به سه نوع روح اشاره دارد که عبارت است از: ۱. روحی که مخصوص همه انبیای الهی است و در همه آنها از آغاز تولد تا پایان عمر همراهشان است؛ ۲. روحی که مخصوص پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و با ایشان است؛ ۳. روحی که با ملائکه همراه است و بر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز نازل می شود. همه این روح ها به روح القدس نیز تعبیر آورده شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۷/۲۵). از تفاوت در تعبیر قرآنی، تعدد این سه روح برداشت می شود. براساس آیات قرآن، یکی از آنها «روح امری» است؛ از این رو همیشه با واژه «من امرنا» یا «امر» می آید. یعنی هیچ گاه این روح به ضمیر متکلم اضافه نشده است؛ برخلاف روحی که در انبیا دمیده شده و به ضمیر متکلم وحده یا مع الغیر اضافه شده است. علاوه بر این، آن دو روح که یکی به ضمیر متکلم وحده و مع الغیر اضافه شده و دیگری

با امر الهی همراه است، روح دیگری می باشد که با ملائکه معرفی و با آن مقایسه می شود. این روح نیز با آن دو روح متفاوت است. از تفاوت در تعبیرهایی که قرآن از روح حکایت کرده، می توان به تفاوت در وجود و به مراتب کارکردهای آن پی برد و کشف کرد که روح، نامی برای انواع مختلف آن است. بنابراین با اختلاف در تعبیر، در این آیات می توان به سه نوع روح پی برد که هر سه نیز گاهی به وصف «القدس» متصف شوند؛ چراکه روحی از سوی پروردگار و از عالم ملکوت بوده (صفار، ۱۴۰۴: ۴۶۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۴۱/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۰۷/۱) است و در آن هیچ گونه لهو و لعب، غفلت و گناه وجود ندارد (صفار، ۱۴۰۴: ۴۴۷ و ۴۵۴؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲۷۲/۱). بنابراین، وصف هریک از آنها به «القدس» مشکلی نخواهد داشت.

۲-۲. انواع روح در روایات

روایات اهل بیت علیهم السلام در مقام تفسیر آیات و توضیح و تبیین آنها، به شرح و بسط این موضوع پرداخته اند. براساس روایات، می توان برای روح اقسامی را بیان کرد. در برخی از روایات به پنج نوع روح اشاره شده است. سه نوع آن، یعنی «روح قوت»، «غضب» و «حیات» در همه انسان ها موجود است؛ چهارم «روح ایمان» می باشد که به مؤمنان اختصاص دارد. در برخی روایات روح ایمان به «روح الهی» - که تعبیر دیگری از روح القدس یا «روح امام» است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶۹/۷۱) - وابسته و مرتبط معرفی شده است^۱ (کوفی اهوازی، ۱۴۰۴: ۳۸؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۶/۲؛ صدوق، ۱۴۰۲: ۴۸). پنجم، «روح القدس» است که تنها در انبیا و رسولان موجود می باشد^۲ (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۷۲/۱). از این روایت می توان دریافت که از هنگام تولد تا وفات هر نبی، وصی و رسولی، روحی به نام روح القدس همراه آنان است. این برداشت از آن روست که روح القدس هم عرض روح حیات، قوت و شهوت بیان شده و این ارواح همانند روح القدس از بدو تولد همراه انبیا هستند. مؤید این سخن، حدیث دیگری است که تصریح می کند خداوند انبیا

۱. «لَأَنَّ أَرْوَاحَهُمْ مِنْ رُوحِ اللَّهِ تَعَالَى وَ إِنَّ رُوحَ الْمُؤْمِنِ لَأَشَدُّ اِتِّصَالَ بِرُوحِ اللَّهِ مِنْ اِتِّصَالَ شُعَاعِ الشَّمْسِ بِهَا».

۲. «... إِنَّ فِي الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ خَمْسَةَ أَرْوَاحِ رُوحِ الْقُدُّوسِ وَ رُوحِ الْإِيمَانِ وَ رُوحِ الْحَيَاةِ وَ رُوحِ الْقُوَّةِ وَ رُوحِ الشَّهْوَةِ...».

و امامان را با این روح خلق کرده است^۱ (صفار، ۱۴۰۴: ۴۵۴). بنابراین، این روح القدس در پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام منحصر نیست؛ بلکه هر نبی و رسولی خود دارای یک روح القدس است. روایتی از امام صادق علیه السلام نشان می‌دهد که امیرمؤمنان علیه السلام پیش از امامت خود و در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و قبل از اتمام نزول قرآن از روح القدس بهره‌مند بوده است (همان، ۴۵۲). در روایت دیگری، امام روح القدس را این‌گونه معرفی می‌فرماید: «هَذَا رُوحُ الْقُدُسِ الْمُؤَكَّلُ بِالْأَيِّمَةِ علیهم السلام يُوقِفُهُمْ وَيُسَدِّدُهُمْ وَيُرِيهِمْ بِالْعِلْمِ.» (صدوق، ۱۳۹۵: ۴۲۹/۲) از این عبارت برداشت می‌شود که این روح القدس موجب توفیق، تسدید و تربیت علمی هر امام می‌شود. از برخی روایات به دست می‌آید که این روح از خلقت نورانی اهل بیت علیهم السلام با آنان همراه بوده است^۲ (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۴۲/۱).

از برخی از روایات به دست می‌آید که اضافه بر روح القدسی که از ابتدا با پیامبر و امامان علیهم السلام همراه است، روح دیگری می‌باشد که با سایر انبیا نبوده و تنها با رسول خدا و ائمه معصومین علیهم السلام است که از پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرمؤمنان علیه السلام و از ایشان به سایر امامان منتقل می‌شود. برای این روح تعبیری همچون «خاص لرسول الله و الأئمة» (قمی، ۱۴۰۴: ۲۵۶/۲) و یا «کان مع رسول الله و هو مع الأئمة» (همو، ۲۷۹/۲) و یا «لَمْ يَكُنْ مَعَ أَحَدٍ مِمَّنْ مَضَى غَيْرِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ هُوَ مَعَ الْأَيِّمَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۷۳/۱) آمده است که نشان از اختصاص آن به پیامبر و امامان علیهم السلام دارد. در برخی از روایات عبارت «فَإِذَا قَبِضَ النَّبِيُّ انْتَقَلَ رُوحُ الْقُدُسِ فَصَارَ إِلَى الْإِمَامِ» (صفار، ۱۴۰۴: ۴۵۴؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲۷۲/۱)، نشان می‌دهد که این روح القدس، روحی است که همیشه با امامان همراه نبوده و بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و انتقال امامت منتقل می‌شود؛ حتی برخی از گزارش‌ها از انتقال آن به امام دیگر حکایت دارد (صدوق، ۱۳۷۸: ۲۴۳/۲). بنابراین مفهوم برداشت شده از این حدیث با روایاتی که نشان می‌دهد امام از آغاز تولد همراه با روح القدس است، نشان‌دهنده این نکته است که دو گونه روح القدس وجود دارد؛

۱. «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْأَنْبِيَاءَ وَالْأَيِّمَةَ عَلَى خَمْسَةِ أَرْوَاحٍ... وَ رُوحُ الْقُدُسِ فَرُوحُ الْقُدُسِ مِنَ اللَّهِ.»

۲. «قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام يَا جَابِرُ إِنَّ اللَّهَ أَوَّلَ مَا خَلَقَ خَلَقَ مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله وَ عَثْرَتَهُ الْهُدَاةَ الْمُهْتَدِينَ فَكَانُوا أَشْبَاحَ نُورٍ بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ... وَ كَانَ مُؤَيَّدًا بِرُوحٍ وَاحِدَةٍ وَ هِيَ رُوحُ الْقُدُسِ فِيهِ كَانَ يَعْْبُدُ اللَّهَ وَ عَثْرَتُهُ.»

روح القدس که از آغاز تولد با نبی و امام همراه است و روح القدس که هنگام امامت امام به وی منتقل می‌شود.

براساس دیگر روایات، نوعی از روح وجود دارد که از ملائکه است و با آنها مقایسه می‌شود؛ ولی برتر از آنان است و بر هیچ نبی و رسولی جز رسول خدا ﷺ و بعد از ایشان بر ائمه معصومین ﷺ نازل نشده است. عبارت «خَلَقَ أَعْظَمُ مِنْ جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ لَمْ يَكُنْ مَعَ أَحَدٍ مِمَّنْ مَضَى غَيْرِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ هُوَ مَعَ الْأَيِّمَةِ يُسَدِّدُهُمْ» که در روایات متعدد بیان شده است (برقی، ۱۳۷۱/۲:۳۱۵، صفار، ۱۴۰۴:۲۳۱، ۲۳۲، ۴۴۲، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷ و ۴۶۰-۴۶۴؛ عیاشی، ۱۳۸۰:۳۱۷/۲؛ کلینی، ۱۴۰۷:۲۷۳/۱ و ۳۸۶؛ مسعودی، ۱۴۲۶:۱۹۱) نشان می‌دهد که این روح از ملائکه است که با جبرئیل و میکائیل مقایسه می‌شود؛ وگرنه برای مقایسه جایی نخواهد بود. برخی معتقدند که این روح با روح امری یکی است؛ ولی براساس آیات و روایات متعدد و شیوه بیان خداوند و برخی روایات، به نظر می‌رسد که این نوع روح با روح امری متفاوت است. در قرآن نیز در مواردی به این روح اشاره شده و همراه با ملائکه آمده، ولی ممتاز از آنان شمرده شده است (نحل/۲؛ معارج/۴؛ نبا/۳۸؛ قدر/۴). در برخی از روایات بیان شده که روح ملک است (قمی، ۱۴۰۴:۲۶/۲، ۲۷۹ و ۳۵۸؛ صفار، ۱۴۰۴:۴۶۱) و در برخی از روایات بیان شده است که ملک نیست (برقی، ۱۳۷۱:۳۱۵/۲؛ صفار، ۱۴۰۴:۲۳۱، ۴۴۲، ۴۵۵؛ عیاشی، ۱۳۸۰:۳۱۷/۲؛ کلینی، ۱۴۰۷:۲۷۳/۱).

به نظر می‌رسد که جمع میان این دو دسته روایات این‌گونه باشد که این روح از جنس ملک است، ولی از ملائکه به شمار نمی‌آید. اهل بیت ﷺ آنجا که درصدد معرفی حقیقت هستند، می‌فرمایند «ملک» و آنجا که در پی بیان وظایف آن می‌باشند، می‌فرمایند «اعظم من الملائكة». قرینه این سخن آن است که «خلق اعظم من الملائكة» یا «اعظم من جبرئیل و میکائیل» دلیل بر ملک نبودن آن نیست. مزید بر این سخن اینکه امام عمود نور را همین روح می‌داند (صدوق، ۱۳۷۸:۲۰۰/۲). اگر در برخی از تعبیر به روح امری استفاده شده است، به خاطر این است که در برخی از آیات و روایات این نوع، با تعبیر «روح من امره» یا «روح من امرنا» بیان شده است و با خود امر الهی را به همراه دارد. برخی نیز امر را ملکوت معنا کرده و روح امری را



روح ملکوتی دانسته‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۱۲۷/۳).

براساس روایاتی که بیان شد، می‌توان دریافت روح در روایات سه نوع است:

الف) روحی که به روح القدس شناخته می‌شود و در همه انبیا و رسولان وجود دارد. علت اینکه گفته می‌شود این روح در انبیا و رسولان وجود دارد، این می‌باشد که این روح کنار روح شهوت، قدرت و حیات گذاشته شده است و چنان‌که این ارواح در انبیا و رسولان از آغاز تولد هست، باید روح القدس نیز در انبیا و رسولان وجود داشته باشد (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۸۰/۲).

ب) روح القدس یا روح امری، روحی است که از امامی به امام بعدی منتقل می‌شود. این روح از لوازم منصب امامت است (مازندرانی، ۱۳۸۲: ۶۴/۶ و ۷۱). بر این اساس، امامان امامت خود را با انتقال روح امری آگاه می‌شدند. آنان برخی از وجوه علم خود را از این روح می‌دانند.

ج) روح سوم با ملائکه همراه است. این روح در شب‌های قدر بر امام هر عصر نازل و در قرآن همیشه با ملائکه مقایسه شده و همراه با آنان نام برده می‌شود. البته گاهی هم به روح القدس و گاهی به روح بدون هیچ قیدی معرفی شده است. این روح براساس روایات، مختص پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم‌السلام است (صفا، ۱۴۰۴: ۲۶۱)؛ از این رو دیگر انبیا از آن بی‌بهره بوده‌اند.

از مجموع آیات و روایات می‌توان استفاده کرد که نسبت به انبیا و امامان، به چهار روح، روح القدس اطلاق می‌شود:

۱. جبرئیل؛ اطلاق روح القدس به جبرئیل در آیه ۱۰۲ سوره نحل آمده است. جبرئیل متصدی نازل کردن وحی‌های رسالی و کتب آسمانی بر انبیا و رسولان و انزال قرآن بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده است. وی محتوای وحیانی را بر انبیا نازل می‌کرده و سخنان خدای سبحان را به پیامبران منتقل می‌کرده است.

۲. روح از آغاز تولد؛ انبیا و رسولان و به تبع آنان امامان، از آغاز تولد با روح ویژه قدسی همراه هستند که به آن روح القدس گفته می‌شود.



۳. روح از آغاز نبوت، رسالت و امامت؛ این روح با انتقال منصب نبوت و امامت منتقل می‌شود؛ از جمله راه‌های شناخت خود امام به امامت، انتقال این روح است.

۴. روح همراه با ملائکه؛ این روح همیشه با ملائکه است و مختص پیامبر خدا ﷺ است. و اهل بیت ایشان علیهم‌السلام است.

هریک از این ارواح دارای مأموریت‌ها و وظایفی هستند که در ادامه و در بخش کارکردهای روح به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

۳. کارکردهای روح برای امام علیه‌السلام

کارکردهایی که در این بخش بیان می‌شود، به غیر از جبرئیل مربوط می‌شود؛ چراکه وظایف او در جای خود قابل طرح است. روح که خود دارای انواعی است، وظایفی را برعهده دارد که عبارتند از:

۳-۱. بندگی و عبودیت امام

براساس برخی از روایات، نوعی از روح القدس در عالم انوار یا ابدان نورانی همراه با پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام بوده است. این روح القدس در آن عالم موجب می‌شده که آنها به بندگی و عبودیت پروردگار پردازند (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۴۲/۱). به نظر می‌رسد که این روح القدس، همان روح القدسی است که با انتقال نبوت و امامت به امام دیگری منتقل می‌شود؛ زیرا روح القدسی که از آغاز تولد با هر امامی است، متعدد خواهد شد؛ ولی روح القدسی که از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به امام و از امام به امام دیگری منتقل می‌شود، یک روح است و در این حدیث تصریح شده است که «كَانَ مُؤَيَّدًا بِرُوحٍ وَاحِدَةٍ وَهِيَ رُوحُ الْقُدُسِ». بنابراین، می‌توان گفت که مراد از این روح القدس، روحی است که با انتقال امامت منتقل می‌شود.

۳-۲. علم به همه اشیا

مسئولیت دیگری که برای روح القدس بیان شده، علم به همه اشیا است. براساس روایات، این نوع از روح القدس می‌تواند علم به همه اشیا را به امام اعطا کند. در



روایات تعبیر مختلفی برای این مسئولیت روح القدس بیان شده است. برخی از روایات از واژه «بروح القدس عَلِمْنَا مَا تَحْتَ الْعَرْشِ إِلَى مَا تَحْتَ الثَّرَى» و برخی دیگر از تعبیر «بِرُوحِ الْقُدُسِ عَلِمُوا جَمِيعَ الْأَشْيَاءِ» و برخی دیگر از تعبیر «رُوحُ الْقُدُسِ ثَابِتٌ يَرَى بِه مَا فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا» استفاده کرده اند. بنابراین، اینکه گفته می شود امام به همه اشیا علم دارد، براساس وجود روح القدس است. به نظر می رسد این روح، همان روح مشترک میان انبیا، اوصیا و امامان است.

۳-۳. آگاهی به اعمال بندگان

از روایات پیرامون وجود روح همراه امام، به دست می آید که وظیفه آن گزارش اعمال مردم به امام است^۱ (صدوق، ۱۳۷۸: ۲۰۰/۲). این گزارش در برخی از روایات مربوط به زمانی است که امام در رحم مادر^۲ (صفار، ۱۴۰۴: ۴۴۱) و حین تولد امام^۳ (همان، ۴۳۵ و ۴۳۸) است. در برخی از روایات وقتی است که امام به سن جوانی می رسد^۴ (همان، ۴۳۳ و ۴۳۶) و در برخی از روایات مربوط به زمان انتقال امامت است^۵ (همان، ۴۳۴ و ۴۳۷). از مجموع این روایات می توان استفاده کرد که این القای علم به اعمال بندگان در مراحل مختلفی صورت می گیرد و هر مرحله توسط یک روح قدسی است. یک مرحله آن از روحی است که از ابتدای خلقت با امام همراه بوده و مرحله بعد آن توسط روح القدسی است که از آغاز امامت همراه با امام است، صورت می گیرد.

۱. «فَقَالَ الرِّضَاءُ عليه السلام إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ أَيْدَنَا بِرُوحٍ مِنْهُ مُقَدَّسَةٍ مُظَهَّرَةٌ لَيْسَتْ بِمَلَكَ لَمْ تَكُنْ مَعَ أَحَدٍ مِمَّنْ مَضَى إِلَى مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ هِيَ مَعَ الْأَيْمَةِ مِمَّا تُسَدِّدُهُمْ وَ تُوَفِّقُهُمْ وَ هُوَ عَمُودٌ مِنْ نُورٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.»
۲. «فَإِذَا اسْتَقَرَّتْ فِي الرَّحِمِ أُذْبِعِينَ لَيْلَةً نَصَبَ اللَّهُ لَهُ عَمُوداً مِنْ نُورٍ فِي بَطْنِ أُمِّهِ يُنظَرُ مِنْهُ مَدَّ بَصَرِهِ.»
۳. «فَإِذَا وَضَعَتْهُ سَطَعَ لَهُ نُورٌ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ فَإِذَا دَرَجَ رَفَعَ لَهُ عَمُودٌ مِنْ نُورٍ يَرَى بِهِ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ.» «فَإِذَا وَضَعَتْهُ رَفَعَ لَهُ عَمُودٌ مِنْ نُورٍ فِيمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ.»
۴. «فَإِذَا سَبَّ وَ تَرَشَّعَ نُصِبَ لَهُ عَمُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ يُنظَرُ بِهِ إِلَى أَعْمَالِ الْعِبَاد.» «فَإِذَا سَبَّ رَفَعَ اللَّهُ فِي كُلِّ قَرْيَةٍ عَمُوداً مِنْ نُورٍ مَقَامِهِ فِي قَرْيَةٍ وَ يَعْلَمُ مَا يُعْمَلُ فِي الْقَرْيَةِ الْأُخْرَى.»
۵. «فَإِذَا فَضِيَتْ إِلَيْهِ الْأُمُورُ رَفَعَ لَهُ عَمُودٌ مِنْ نُورٍ يَرَى بِهِ أَعْمَالَ الْخَلَائِقِ.» «فَإِذَا قَامَ بِالْأَمْرِ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ فِي كُلِّ قَرْيَةٍ عَمُوداً مِنْ نُورٍ يُبْصِرُ بِهِ مَا يَعْمَلُ أَهْلُهَا فِيهَا.» «فَإِذَا صَارَ الْأَمْرُ إِلَيْهِ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ عَمُوداً مِنْ نُورٍ يُبْصِرُ بِهِ مَا يَعْمَلُ بِهِ أَهْلُ كُلِّ بَلَدَةٍ.» همچنين: «فَإِذَا صَارَ الْأَمْرُ إِلَيْهِ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ عَمُوداً مِنْ نُورٍ يُبْصِرُ بِهِ مَا يَعْمَلُ أَهْلُ كُلِّ بَلَدَةٍ.» (كلینی، ۱۴۰۷: ۱/۳۸۷).

۴-۳. القای پاسخ سؤال‌های جدید

براساس روایات هرگاه موضوع جدیدی برای امام مطرح شود که امام عالم به آن نباشد، روح القدس به امام القا کرده و امام از او تلقی می‌کند. روایات متعددی در منابع گوناگون با اسناد متعدد نقل شده است که امامان پاسخ به سؤالات جدید را از طریق روح القدس بیان می‌کنند (صفر، ۱۴۰۴: ۴۵۱، «باب فی الائمه ان روح القدس یتلقاهم اذ احتاجوا الیه»، در این باب ۱۳ حدیث جمع‌آوری شده است؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۳۹۷/۱، سه حدیث نقل شده است؛ حلی، ۱۴۲۱: ۴۵، پیرامون این موضوع سه حدیث نقل کرده است). از این روایات می‌توان برداشت کرد که این وظیفه برعهده روح القدس است که از آغاز تولد تا پایان عمر با امام همراه است. شاهد این سخن آن است که در برخی از روایات آمده که امیرمؤمنان علیه السلام پیش از امامت خویش نیز تأییدات روح القدس داشته است و در سفرهایی که از سوی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اعزام می‌شده، از روح القدس پاسخ سؤالات و پرسش‌های مردم را دریافت می‌کرده است^۱ (صفر، ۱۴۰۴: ۴۵۲؛ حلی، ۱۴۲۱: ۴۶). بنابراین می‌توان دریافت که این روح القدس متفاوت است با روح القدس که طبق روایات، بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به امیرمؤمنان علیه السلام منتقل خواهد شد.

۵-۳. نزول تقدیرات در شب قدر بر امام

براساس آیات قرآن، تقدیرات سالیانه بر قلب پیامبر و امام توسط ملائکه و روح نازل می‌شود. این روح با سایر روح‌ها متفاوت است؛ زیرا این روح با ملائکه بوده و با آنها مقایسه شده (نحل/۲؛ معارج/۴؛ نبأ/۳۸؛ قدر/۴؛ صفر، ۱۴۰۴: ۲۲۰-۲۲۴؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲۴۸/۱ و ۲۴۹) و برخلاف سایر روح‌ها که با روح ایمان، حیوان و قدرت مقایسه می‌شود، این روح به اندازه‌ای مهم است که در برخی از احادیث به روح اختصاصی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام معرفی شده است^۲ (صفر، ۱۴۰۴: ۴۶۰؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۱۷/۲؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲۷۳/۱).

۱. «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام جَعَلْتُ فِدَاكَ إِنَّ النَّاسَ يُزْعَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَجَّهَ عَلَيْنَا عليهم السلام إِلَى الْيَمَنِ لِيُقْضَىٰ بَيْنَهُمْ فَقَالَ عَلِيُّ عليه السلام فَمَا وَرَدَتْ عَلَيَّ قَضِيَّةٌ إِلَّا حَكَمْتُ فِيهَا بِحُكْمِ اللَّهِ وَحُكْمِ رَسُولِهِ صلی الله علیه و آله و سلم فَقَالَ صَدَقُوا قُلْتُ وَ كَيْفَ ذَلِكَ وَلَمْ يَكُنْ أَنْزَلَ الْقُرْآنَ كُلَّهُ وَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم غَائِبًا عَنْهُ فَقَالَ تَتَلَفَّاهُ بِهِ رُوحُ الْقُدْسِ.»

۲. «قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي قَالَ خَلَقَ أَكْثَرَهُ مِنْ جَبْرَيْلَ وَ»



براساس روایات و با توضیحی که قبلاً بیان شد، مراد از روحی که یهودیان از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسیدند و خداوند از آن خبر داد، همین روح است (اسراء/۸۵). ویژگی این روح برخلاف روح القدس، این است که همیشه در محضر ائمه نیست و صعود و نزول دارد. تعبیر «لَيْسَ كُلُّ مَا طَلِبَ وَجِدَ» به این نکته اشاره دارد (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲/۲۴۹). این روح نیز وظیفه انتقال علم را برعهده دارد؛ با این تفاوت که این انتقال به صورت یک مرتبه و به شکل تقدیرات نازل می‌شود. بر این اساس جنس این علم با سایر علوم متفاوت است. این علم در صرف تقدیرات است و هنوز به مرتبه قضا نرسیده و امکان بداء در آن وجود دارد؛ برخلاف روح القدس که در مقام تفسیر و تبیین است و علوم مختلف را به امام اطلاع می‌دهد. اهمیت علم امام به تقدیرات این است که امام با علم به تقدیرات می‌تواند از برنامه نظام هستی در یک سال آینده آگاه شود.

۳-۶. تسدید و تأیید نبی و امام

در برخی از روایات، وظیفه روح القدس را تسدید و تأیید نبی و امام معرفی کرده‌اند. تسدید و تأیید به این معناست که وقتی نبی و یا امام بر عبادت و اجرای فرامین الهی تصمیمی گرفتند، مانع ورود وساوس شیطانی و نفسانی شده (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲/۲۴۹) و او را در این تصمیم محکم و استوار کرده و به این کار ترغیب می‌کنند (صفار، ۱۴۰۴: ۴۵۵). این وظیفه همه انواع روح‌هاست. در برخی روایات روح القدس را مایه تسدید و تأیید معرفی کرده‌اند^۱ (صدوق، ۱۳۹۵: ۲/۴۲۹) و برخی دیگر از روایات، روح امری را مایه تسدید معرفی کرده‌اند^۲ (صفار، ۱۴۰۴: ۴۵۵-۴۶۱؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۲/۳۱۷؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۲۷۳). بدیهی است که اشتراک در عمل مایه اتحاد در ذات نمی‌شود و اینکه دو عمل همانند تسدید رخ می‌دهد، بدین معنا نیست که عامل آن دو یکی خواهد بود. از سوی دیگر، در برخی موارد به جهت اینکه همه روح‌ها تحت عنوان روح القدس نیز

→ مِيكَائِيلَ لَمْ يَكُنْ مَعَ أَحَدٍ مِمَّنْ مَضَى غَيْرَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ هُوَ مَعَ الْأَيْمَةِ يُسَدِّدُهُمْ وَ لَيْسَ كُلُّ مَا طَلِبَ وَجِدَ.

۱. «هَذَا رُوحُ الْقُدُّوسِ الْمَوْكَلُ بِالْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ يُؤَقِّعُهُمْ وَ يُسَدِّدُهُمْ وَ يُرَبِّبُهُمْ بِالْعِلْمِ».

۲. «قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ يَسْتَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي قَالَ خَلَقَ أَعْظَمَ مِنْ جِبْرَائِيلَ وَ

مِيكَائِيلَ لَمْ يَكُنْ مَعَ أَحَدٍ مِمَّنْ مَضَى غَيْرَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ هُوَ مَعَ الْأَيْمَةِ يُسَدِّدُهُمْ وَ لَيْسَ كُلُّ مَا طَلِبَ وَجِدَ.»

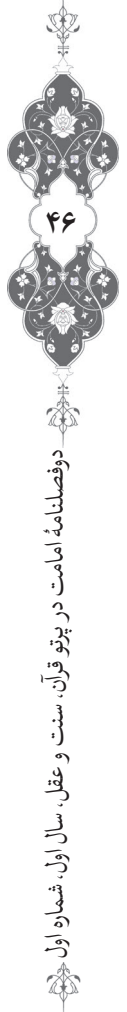
گنجانده می‌شوند، فعل یک روح را به روح دیگر نیز می‌توان نسبت داد.

۷-۳. عصمت امام

از برخی روایات روح القدس چنین به دست می‌آید، روح القدسی که از ابتدای تولد با امام همراه است، مسئولیت عصمت و محفوظ ماندن امام از معاصی، گناهان و خطاها را برعهده دارد. این مطلب با تعابیر مختلفی همچون «وَرُوحُ الْقُدُسِ مَنْ سَكَنَ فِيهِ فَإِنَّهُ لَا يَعْمَلُ بِكَبِيرَةٍ أَبَدًا» (صفار، ۱۴۰۴: ۴۴۷)، یا با عبارت «إِنَّ هَذِهِ الْأَرْوَاحَ يُصِيبُهُ الْحَدَثَانِ إِلَّا أَنَّ رُوحَ الْقُدُسِ لَا يَلْهُو وَلَا يَلْعَبُ» (همان؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲۷۲/۱)، یا با عبارت «فَرُوحُ الْقُدُسِ مِنَ اللَّهِ وَ سَائِرُ هَذِهِ الْأَرْوَاحِ يُصِيبُهَا الْحَدَثَانِ فَرُوحُ الْقُدُسِ لَا يَلْهُو وَلَا يَتَغَيَّرُ وَلَا يَلْعَبُ» (صفار، ۱۴۰۴: ۴۴۷) و یا با جمله «رُوحُ الْقُدُسِ لَا يَنَامُ وَلَا يَعْغُلُ وَلَا يَلْهُو وَلَا يَسْهُو» (همان؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲۷۲/۱) بیان شده است. در تمام این عبارات به یک نکته مهم توجه شده است و آن، اینکه سایر ارواح همانند روح حیات، قدرت و شهوت دارای غفلت، سهو و نسیان هستند و موجب می‌شوند که صاحب آن روح دچار غفلت شود و در بستر غفلت گناه، خطا و نسیان محقق می‌شود؛ ولی روح القدس روحی است که هرگز غفلت، لهو و لعب، سهو و نسیان در او راه ندارد و مانع می‌شود که صاحب روح مرتکب گناه شود. با این توضیح، می‌توان دریافت که روح القدس نبی و امام را به ترک گناه وادار نمی‌کند تا اختیار از آنها سلب شود، بلکه روح القدس زمینه ایجاد گناه - که غفلت، سهو و لهو و لعب است - را برطرف کرده و چون زمینه برطرف شود، جایی برای تحقق گناه، خطا و نسیان وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

براساس منابع و حیانی، روح القدس دارای انواعی است و هر بخشی از آن، مسئولیتی ویژه را برعهده دارد. این انواع روح به امداد معصومان و امامان علیهم‌السلام می‌آیند. در آیات و روایات، جبرئیل نیز به روح القدس یا روح الامین نامیده می‌شود که در این مقاله مقصود نبوده است. نوعی از این روح میان همه برگزیدگان و حجج الهی مشترک است و دو نوع دیگر آن، به پیامبر اکرم و امامان علیهم‌السلام اختصاص دارد. روحی که براساس

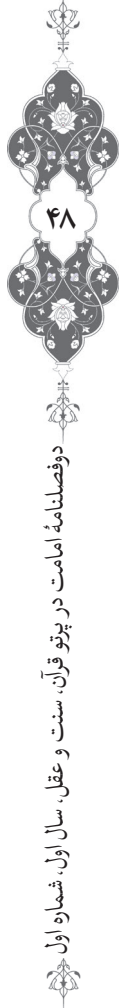


روایات مشترک میان همه انبیا، رسولان و امامان است، هرگز غفلت بر آن عارض نمی‌شود و لهُو و لعب و غفلت او را دربر نمی‌گیرد. از این رو یکی از عوامل تحقق عصمت در انبیا و امامان وجود چنین روحی است. دو نوع روحی که به پیامبر و امامان اختصاص دارد به روح امری و روح همراه با ملائکه نامیده شده است. طبق آیات و روایات، روح امری با روح همراه با ملائکه دو نوع متفاوت هستند که هر کدام دارای ویژگی‌ها و وظایف اختصاصی‌اند. به نظر می‌رسد، برخی از مقامات پیامبر و ائمه علیهم‌السلام به واسطه وجود چنین روح‌هایی است و با پذیرش وجود آنها استبعاد وجود چنین مقاماتی از امامان برطرف خواهد شد. هر یک از روح‌ها، دارای وظایف و کارکردهایی برای امام هستند که نمونه‌های آن تحقق عبودیت و بندگی، اعطای علم و عصمت، آگاهی به پاسخ پرسش‌های جدید و اشراف بر اعمال بندگان است.

منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الاعتقادات، قم: کنگره جهانی شیخ مفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۲. ———، الأمالی، ترجمه: آیت الله کمره ای، تهران: کتابخانه اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۶۲ش.
۳. ———، الخصال، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۴. ———، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تصحیح: سید مهدی حسینی لاجوردی، تهران: انتشارات جهان، ۱۳۷۸ق.
۵. ———، کمال الدین و تمام النعمة، قم: دار الکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
۶. ———، معانی الأخبار، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ش.
۷. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تصحیح: هارون عبد السلام محمد، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۹. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تحقیق: جلال الدین محدث، قم: دار الکتب الاسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۷۱ش.
۱۰. ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، تصحیح: عبد الزهراء حسینی، قم: دار الکتب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۱۱. حلی، حسین بن سلیمان، مختصر البصائر، تصحیح: مشتاق مظفر، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۱۲. حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الاسناد، تصحیح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.



۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق: صفوان عدنان داوودی، بیروت - دمشق: دار الشامیة - دار العلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۴. صفار، ابوجعفر محمد بن حسن بن فروخ قمی، بصائر الدرجات، تصحیح: میرزا محسن کوجه باغی تبریزی، قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع الیبان، تصحیح: فضل الله طباطبایی یزدی و هاشم رسولی، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۱۷. طیب اصفهانی، سید عبدالحسین، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام، چاپ دوم، ۱۳۶۹ش.
۱۸. عیاشی، ابوالنضر محمد بن مسعود بن عیاش سلمی، تفسیر العیاشی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمی، ۱۳۸۰ق.
۱۹. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: هجرت، چاپ دوم، بی تا.
۲۰. فیض کاشانی، محمد محسن، تفسیر الصافی، تصحیح: حسین اعلمی، تهران: مکتبة الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۲۱. _____، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۲۲. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم: دار الهجرة، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۲۳. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزائری، قم: دار الکتاب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ش.
۲۴. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات کوفی، تصحیح: محمد کاظم، تهران: مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الارشاد الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۲۵. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، تصحیح: غلامرضا عرفانیان یزدی، قم: المطبعة العلمیة، چاپ دوم، ۱۴۰۲ق.

۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ش.
۲۷. مازندرانی، ملامحمد صالح، شرح اصول الکافی، تعلیق: میرزا ابوالحسن شعرانی، تصحیح: سید علی آشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۲۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: مؤسسة الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۲۹. —، مرآة العقول، تصحیح: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۳۰. مسعودی، علی بن الحسین، اثبات الوصیة، قم: انصاریان، چاپ سوم، ۱۴۲۶ق.
۳۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ش.